

از «تُكَأْدَ» عربی پنداشته (عدنانی، ۹۷؛ الموسوعة، همانجا)، و با ریاض و زاویه عربی مشابه و به معنای آن دانسته‌اند (خیرالدین، ۳۸۴/۲). تکیه به معنای قرارگاهی که صوفیان در آن پیرامون شیخ گرد می‌آیند و مراسم ذکر و نیایش و آداب صوفیانه به جا می‌آورند، دقیقاً با معنای ریاط، خانقه، درگاه، زاویه و آستانه همانندی دارد (X/415، EI<sup>۲</sup>؛ نیز نک: هد، خانقه).

کاربرد واژه تکیه به معنای زاویه نخستین بار گویا در متون عثمانی آمده، و از سده ۱۰ق/۱۶م به این سو مفهوم و معنای آن توسعه یافته (EI<sup>۲</sup>، همانجا) و خانه عبادت و جای برگذاری آینهای صوفیانه و جای اقامت درویشان شده است (اصطفانی، ۹۳). پس از فتوحات عثمانی، تکیه در معماری سوری و مصری جای ریاط و خانقه را گرفت و به تالار سقفدار و گنبدداری گفته شد که از مکتب قسطنطینیه تأثیر گرفته بود (براون، همانجا).

در پایان دوره امپراتوری عثمانی، تکیه در بیشتر نقاط جهان اسلامی کاربری خانقه‌ای تازه‌ای یافت و در آناتولی و بالکان از زاویه فاصله گرفت و جدا شد. در آن زمان تکیه ارکانی مانند ساعاخانه یا توحیدخانه، نضای ویژه مقابر شیوخ، حرم خانواده، جای پذیرایی و واحدهایی برای منزل کردن درویشان و میهمانان گذری و مانند آنها را دربر می‌گرفت (X/415-416، EI<sup>۲</sup>). در این دوره‌ها تکیه در ایران نیز شبیه دیگر سرزمهنهای اسلامی نقش و کاربری زاویه و خانقه‌ای داشت و در اصفهان در اصطلاح به بقاعی گفته می‌شد که در آن شخصیتی مقدس و بزرگ مدفن بود (بلاغی، همانجا). این بوطوطه در سده ۸ق/۱۴م در اصفهان در زاویه‌ای منسوب به شیخ علی بن سهل، شاگرد جنید منزل می‌کند. او این زاویه را زیارتگاه مردم شهر معرفی کرده، می‌گوید: هر مسافری که به این زاویه وارد می‌شد، از او با غذا پذیرایی می‌کرددند (۲۱۲/۱).

تکیه با کاربری تازه: با پیدایی پدیده نمایشی شبیه‌خوانی و توسعه و رشد آن در ایران، بهویژه در شهرهای بزرگ، تکیه کاربری خانقه‌ای و آرامگاهی خود را از دست می‌دهد و حضور دیگری با کاربری تازه مانند حسینیه می‌پایسد و فضایی برای نمایش شبیه‌خوانی و مراسم عزاداری می‌شود. در اینکه از چه زمانی این گونه مراسم مذهبی در فضای تکیه برگذار می‌شده است، اطلاع دقیق و سند معتبری در دست نیست. گلریز (ص ۳۸۰-۳۸۱) در مینور به نقل از حسین مسروور در ده نظر قزلباش می‌نویسد: در دوره شاه طهماسب اول صفوی (سـا ۹۳۰-۹۴۹ق/۱۵۷۶-۱۵۲۴م) و جانشین او شاه اسماعیل دوم، در تکیه‌ها، بهویژه تکیه دولت و تکیه جوانشیر قزوین، در شباهای ماه رمضان غرفه‌های پای توغ تکیه را «سُرْدَم» می‌بستند و در آنها مراسم سخنوری و مناظرات ادبی و مشاعره ترتیب می‌دادند. در شباهای ماه

کوتاه‌تری تکوین یافته‌اند. جانوران آبی پیش از جانوران خشکی پدید آمدند، چون که آب و دریا در آغاز آفرینش، بر خشکی و خاک پیشی دارد. جانورانِ تام‌الخلقه، یعنی انواع تکامل یافته‌تر، جانوران خشکی‌اند، و آغاز آفرینش آنها در زیر خط استواست که روز و شب یکسان، و زمان میان سرما و گرما معتدل، و مواد لازم برای قبول صورت همیشه موجود است. آدم ایوالبیر نیز در همانجا تکوین یافت (رسائل...، ۱۸۰/۲-۱۸۱). با وجود گذشت سده‌ها از ابراز این نظریه، تازگی و شادابی آن، در عین مطابقت با عقاید مذهبی، همچنان شگفتی برانگیز است.

ماخذ: آملی، حیدر، «لقد التقوه في معنى الوجه»، هراء جامع الأسرار و منبع الانوار هو، به کوش هائزی کریم و عثمان یحیی، تهران، ۱۳۴۹/ش ۱۹۶۹؛ ابن سينا، «الحدود»، تسع رسائل، بیانی، ۱۳۱۸/ق؛ همو، الشفاء، الاحیات، به کوش جرج قنواتی و سعید زاید، تهران، ۱۹۶۰/ق؛ همو، السیدا و المعاد، به کوش عبدالله نورانی، تهران، ۱۳۶۲/ش؛ یوهانسین مربیان مرزبان، التحلیل، به کوش مرتضی مطهیری، تهران، ۱۳۴۹/ش؛ جرجانی، علی، التعريفات، بیروت، ۱۹۹۰؛ رسائل اخوان الصفا، بیروت، ۱۹۵۷م؛ سیزوواری، ملا‌هادی، اسرار الحكم، به کوش توشیکو ایزوتسو و ح. فرزاد، تهران، ۱۳۵۱/ش؛ سیهوروردی، یحیی، «الظواحيات»، «حكمة الاشراف»، «المشارع و المغاربات»، مجموعه مصنفات، به کوش هائزی کریم، تهران، ۱۳۵۵/ش؛ شنب غازانی، اسماعیل، شرح فصول الحکمة، از فارابی، به کوشش علی اوجی، تهران، ۱۳۸۱/ش؛ شهروری، محمد، شرح حکمة الاشراف، به کوش حسین ضایی تربیتی، تهران، ۱۳۷۲/ش؛ صدرالدین شیرازی، محمد، الشراهد الربوبیة، به کوشش جلال الدین آشتیانی، مشهد، ۱۳۴۶/ش؛ همو، السیدا و المعاد، به کوش اسدالله یزدی هراتی، ج سنگی، ۱۳۱۴/ق؛ همو، الواردات الفلاحية في معنى الربوبية، به کوش احمد شفیعیا، تهران، ۱۳۵۸/ش؛ فخرالدین رازی، الباحث المشرقي، قسم، ۱۴۱۱/ق؛ ناصر خسرو، زاد المسافرين، برلن، انتشارات کاوایانی؛ نصرالدین طوسی، «شرح الاشارات»، الاشارات والتسبیحات ابن سينا، تهران، ۱۳۷۷/ق؛ نیز، منوچهر پژشک Aristotle, *Metaphysics*; id, *Phisics*.

تکه، نک: ترکمن.

تکه اوغوللری، خاندان، نک: حمید، بنی.

تکیه، یا تکیه، ساختمانی با معماری و فضاسازی ویژه برای برگذاری آینهای نمایشی شبیه‌خوانی و مراسم عزاداری و نیز جایی خاص برای اجرای مناسک اهل تصوف و درویشان. تکیه واژه‌ای برگرفته از فعل «توگا» (درآجی، ۲۳-۲۲) یا «دکا» و «اتکاً» عربی است (الموسوعة...، ۵۶۴/۱) و به معنای تکیه کردن بر چیزی و نیز جایی که در آن درویشان خانه می‌کنند (درآجی، ۲۳). در ادبیات فارسی تکیه به معنای بالش و چیزی که بر آن تکیه زنند، مکان قرار گرفتن فقیران و به مجالز پشت و پناه (آندر/چ، ۱۱۶۶/۲)، مکان آرمیدن، تکیه گاه و پشتی (براون، ۹۷)، حسینیه که در آن روضه‌خوانی و تعزیه‌داری کنند (نسیی، ذیل واژه؛ نیز نک: بلاغی، ط ۴۹) و جای تعزیه‌خوانی و روضه‌خوانی (لغت‌نامه...، ذیل واژه) آمده است. برخی به اشتباہ اصل و ریشه تکیه را ترکی و آن را برگرفته

پایان سده ۳ ق / اوایل سده ۱۰ م در شهرهای بزرگ بغداد، حلب و قاهره حسینیه‌های پیوسته به مساجد وجود داشتند، در حالی که در ایران تا پیش از دوره صفوی (۹۰۷-۱۱۴۸/۱۵۰۱-۱۷۳۵) شاهدی برای وجود حسینیه در دست نیست. در این دوره نیز استادی که دال بر وجود حسینیه باشد، وجود ندارد. در این دوران مردم عزاداریهای محروم را در خانه‌های خود و در انواع ساختمانهای مذهبی و در جنب زیارتگاهها ترتیب می‌دادند. با این همه، بنا بر گزارشی، در آغاز سده ۱۱ ق / ۱۷ م راهبان آوگوستینی پرتغالی در اصفهان در محله‌ای به نام « محله حسینیه »، در نزدیک مسجد جامع اصفهان پایگاهی داشتند. نام این محله بر وجود حسینیه در دوره صفوی در اصفهان دلالت دارد. از این رو، می‌توان بنای ساختمانهایی به نام حسینیه در ایران را نقطه آغازین برای تمرکز دسته‌های عزاداری عاشورا در محلی مستقل به شمار آورد (یرانیکا، XII/517). بنابراین نظر کسانی، از جمله شهیدی (ص ۲۵۴) که پیدایی حسینیه در بافت شهری و فرهنگ شهری - مذهبی ایران را از دوره قاجار به این سو دانسته‌اند، نمی‌تواند حائب باشد (برای اطلاعات بیشتر و دقیق‌تر، نک: ۵۶، حسینیه).

در جامعه و فرهنگ ایران در واژه تکیه و حسینیه گاهی برای یک مکان خاص که در آن مراسم عزاداری و شبیه‌خوانی برگذار می‌شود، کاربرد دارد و گاهی حسینیه برای محل عزاداری و روضه‌خوانی، و تکیه برای محل شبیه‌خوانی به کار می‌رود. در تهران و برخی از شهرهای ایران، به‌ویژه شهرهای مناطق گرانه‌های دریایی خزر به محل برپایی مجالس روضه‌خوانی و ذکر مصیبت، حسینیه، و به محل برگذاری مجالس تغزیه‌خوانی تکیه می‌گویند (شهیدی، همانجا؛ سلطانزاده، ۱۸۲). در سمنان همه محلهای مخصوص عزاداری و شبیه‌خوانی تکیه نامیده می‌شوند و ۳ محله بزرگ شهر: ناسار، لتبیار و اسفنجان، هر یک مرکز مجموعه‌ای تکیه هستند (احمدپناهی، آداب... ۲۷۴). دو فضای عمده شهری نیز که در مسیر گذر بازار سمنان واقع شده‌اند و دسته‌های عزادار دو محله هم‌وزن شهر در روزهای سوگواری در آنها گرد می‌آیند، به نام تکیه معروف‌اند (تولی، ۸۲). در یزد این چنین فضاهای مذهبی به هر دو نام حسینیه و تکیه شهرت یافته‌اند، مانند تکیه یا حسینیه میرچماق (میدان میرچماق)، حسینیه شازده فاضل، حسینیه حاجی یوسف و حسینیه کوچه بیوک (افشار، ۷۵۱/۲، نیز ۷۵۴-۷۵۱) برای فهرست شماری از حسینیه‌های بزرد، نک: ۷۴۸-۷۵۰؛ برای شرح به تفصیل تکیه میرچماق، نک: مصطفوی، ۳۸۶-۳۸۷. در کاشان بیشتر فضاهای شهری و محله‌ای در مسیر گذرها اصلی، میدان یا تکیه نامیده می‌شوند، مانند تکیه گذر حاجی محله، میدان یا تکیه ولی‌سلطان، تکیه طاهر منصور، تکیه سرپرده

رمضان جمعیت در تکیه دولت چندان بود که هر شب حدود ۸۰ من ته شمع در آن جارو می‌کردند. در آن دوره‌ها گویی هنوز مراسم عزاداری عاشورا به تکیه‌ها راه نیافته بوده است (یادداشت مؤلف). بعدها، ظاهراً از دوره قاجار، در تکیه‌های قزوین مراسم عزاداری در ایام عاشورا بر پا می‌گرده‌اند (گلریز، ۵۸۱). در قم هر تکیه مرشدی داشت که با اسباب ۱۷ سلسله، سردمی را در آن می‌آراست و قرآن و رحلی بر بالای آن قرار می‌داد و مدخل تکیه و نام اسباب هفده‌گانه و چگونگی آینین سخنوری، نک: عباسی، ۵۹-۶۲.

کاظم روحانی بدون ارائه سند و مدرکی تاریخی تکیه را در دوره صفوی «کوچک‌ترین واحد فعالیت دینی و صنفی» معرفی می‌کند و می‌نویسد: «تکایا نه فقط محل برگذاری مراسم مذهبی به شمار می‌آمد، بلکه مشکلات صنفی و اقتصادی هم در آنجا مطرح می‌گردیده است» (ص ۶۸).

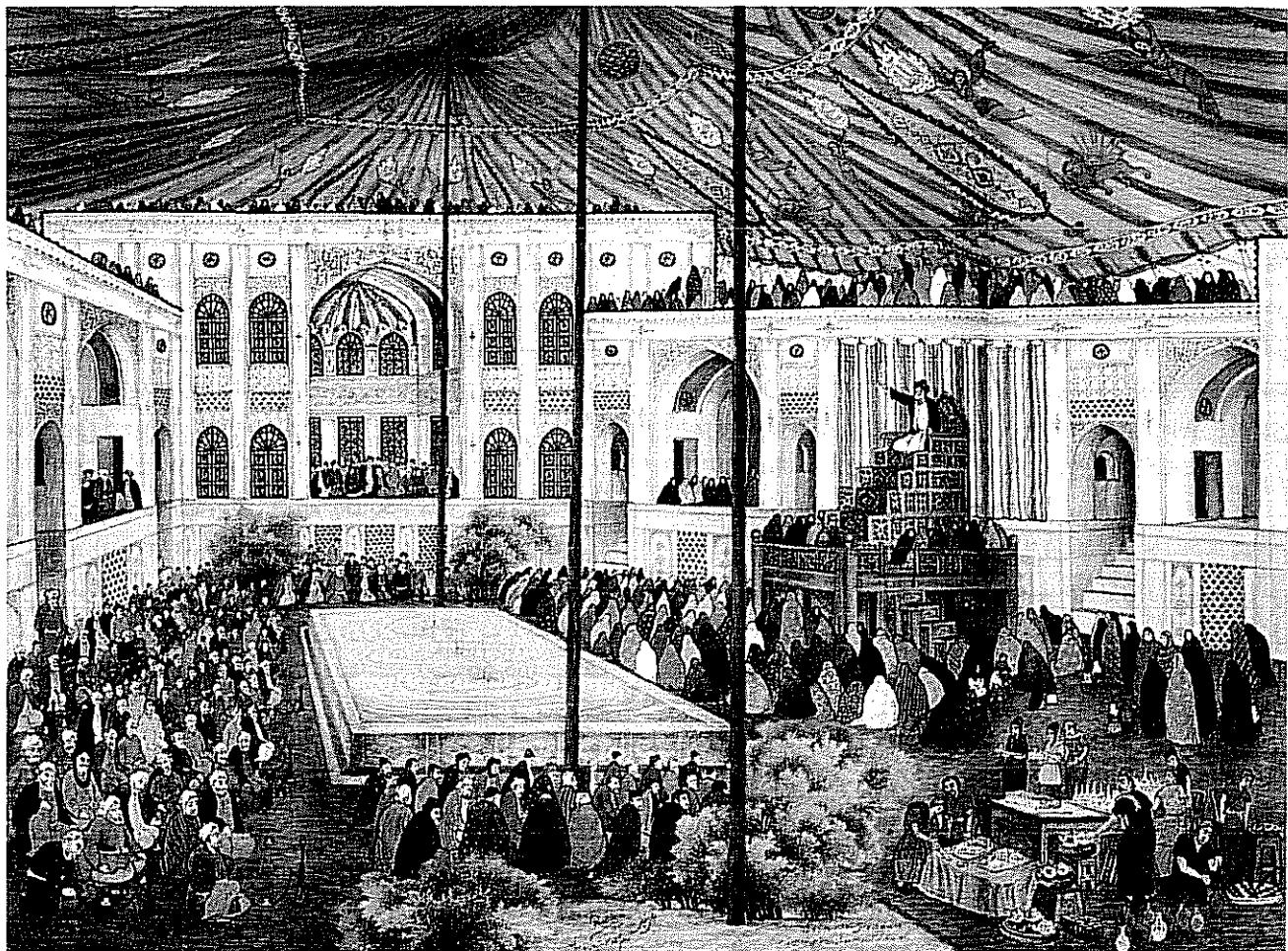
بی‌تردید پس از نزدیک شدن شریعت و طریقت، یا به عبارت دیگر نزدیکی مذهب و تصوف به یکدیگر، همان طور که ذکاء می‌گوید (ص ۲۸۳)، از تکیه برای برگذاری مراسم عزاداری و روضه‌خوانی و نمایش‌های مذهبی استفاده می‌گردد. این زمان علی التحقیق باید سالهای اواخر دوره صفوی، یا آغاز دوره زندیان بوده باشد (شهیدی، ۲۴۳)، پیترسن (ص 65-66) با نقل متن کتیبه‌ای به تاریخ ۱۲۰۲ ق / ۱۷۸۸ م — که همانی ماسه از منزلگاهی در استرایاد رونویس کرده است — می‌نویسد: در آن ناحیه صحن تکیدای برای اجرای مراسم سوگواری امام حسین(ع) ساخته بودند. نوشتة این کتیبه توسعه آینهای مذهبی و در آن میان ظاهراً تعزیه‌خوانی را در سالهای پایانی سلطنت زندیان در ایران و ساختن جایگاهی ویژه برای این گونه نمایش‌های مذهبی را نشان می‌دهد. به هر روی می‌توان با اندکی تسامح برگذاری مراسم عزاداری و تعزیه‌خوانی را در تکیه به اوآخر دوره صفوی، یعنی به حدود ۲۰۰ سال پیش رساند (یادداشت مؤلف). سرانجام پیترسن اجرای نخستین نمایش‌های تعزیه را در فضای خاص به نام تکیه، زمانی پس از دهه نخست سده ۱۹ می‌داند و می‌نویسد: این نوع تکیه ابتدا عمدتاً در استانهای کثار دریایی خزر و در میان دز نیروهای شیعه پدید آمد (ص 68).

**تکیه و حسینیه:** متمایز کردن کاربری دو فضای عمده مذهبی تکیه و حسینیه از یکدیگر بسیار دشوار و تقریباً ناممکن است. به هر روی تکیه و حسینیه هم به لحاظ پیشینه تاریخی و هم به لحاظ کارکردها در برخی دوره‌های تاریخی و در برخی از جامعه‌ها، با هم کم‌ویش متفاوت بوده‌اند. به نوشتة ژان کالمار در

نمونه‌هایی از این دسته تکیه‌ها هستند (شهیدی، ۲۴۵).  
بنا بر نتایج آماری طرح تبیه شناسنامه مساجد و اماکن  
مذهبی کشور در ۱۳۷۵ش، ۱۸۰۷ تکیه ثابت و ۸۷۵۲ حینیه  
در کشور وجود داشته است (ص. نه). در این میان مازندران با  
۱۳۵ تکیه در مقام نخست، و گرمان با ۱۸۴ تکیه، خراسان با

(توسلی، همانجا) و تکیه پانخل و مانند آنها (بلوکباشی،  
نخل گردانی، ۱۰۷).

در تهران تکیه‌هایی که در آنها مراسم شیعه‌خوانی برگزار  
می‌شد، ۳ خاستگاه متفاوت با یکدیگر داشتند: نخست، تکیه‌هایی  
که در آغاز بقعه و مقبره یکی از بزرگان و مشایخ یا صالحان



مجلس روضه‌خوانی در تکیه، نقاشی از عباس رستمیان (اعناصری، ۷۹)

۱۴۸ تکیه و تهران با ۵۸ تکیه به ترتیب در مراتب بعد قرار  
می‌گرفتند. استانهایی مانند هرمزگان، بوشهر، کهگیلویه و  
بویراحمده، لرستان، چهار محال بختیاری، و سیستان و بلوچستان  
هیچ یک تکیه ثابت نداشته‌اند (نک: نتایج... جد: نیز میرمحمدی،  
۷۵؛ برای شمار تکیه‌های ثابت در هر یک از استانها، نک:  
همانجا، جدول شم.).  
در ایران، استان خراسان با ۱۱۵۸ باب حسینیه مقام نخست،  
و مازندران با ۱۰۳۷، تهران با ۹۷۶، خوزستان با ۹۰۴ و فارس  
با ۸۶۹ حینیه پس از خراسان در مراتب بعدی قرار می‌گیرند  
(نتایج، جد: نیز نک: میرمحمدی، ۷۲؛ برای شمار حسینیه‌های  
استانهای دیگر، نک: همانجا، جدول شم.).

بودند و در صحن یا حیاط و ایوان مقبره، یا در پیرامون آن  
مراسم سوگواری مذهبی برپا می‌کردند. این فضاهای با اندکی  
تغییر در ساختمان و ضمایم آنها به صورت تکیه تعزیه‌خوانی  
درآمدند. تکیه‌های پیر زن، هفت تن و پهلوان شریف احتمالاً از  
این دسته فضاهای بوده‌اند. دوم، تکیه‌هایی که پیش از آن  
کاروان‌سرا بودند و گپگاه در آنها مراسم عزاداری برپا  
می‌کردند، مانند تکیه‌های حمام خانم و باغ پسته بیک، سوم،  
تکیه‌هایی که از دوره زندیان به این سو اختصاصاً برای  
برگزاری تعزیه‌خوانی با شیوه تلقیقی معماری کاروان‌سرا، خانقاہ،  
میدان و زورخانه ساخته شده‌اند. تکیه سید نصرالدین، تکیه  
عباس آباد، تکیه حاج میرزا آفاسی و تکیه معیزالمالک

در یک یا دو اشکوب (گاهی ۳ اشکوب، در تکیه دولت) در گرداب‌گرد فضای درون ساختمان برای نشستن تماشاگران مرسد؛ طاق‌نمایی ویژه برای نشان دادن برخی صحنه‌های برجسته و مهم در مجالس تعزیه و یک غرفه هم‌سطح کف تکیه برای رختکن تعزیه‌خوانان.

هر تکیه معمولاً چند مدخل داشت. مدخل‌هایی برای آمد و رفت تماشاگران و دو مدخل با راهروهایی برای رفت و آمد به کاروان‌سرا یا جایی که شتران و اسبان تعزیه‌خوانی را نگه می‌داشتند و نیز حرکت قافله و دسته سوارکاران. تکیه‌های بی‌صف را به هنگام تعزیه‌خوانی با چادر می‌پوشاندند (بیضایی، ۱۳۱). تکیه معاون‌الملک (نک: دنباله مقاله) دو مدخل شرقی و



نمای بیرونی تکیه دولت جدید، نقاشی از ابوتراب غفاری (ذکاء، ۱۲۹۱)

غربی برای رفت و آمد داشت (خلج، ۴۴).

هر یک از طاق‌نمایهای تکیه معمولاً در اختیار یکی از بزرگان محله بود که هزینه بستن و آماده کردن آن را از جیب خود می‌پرداخت. در تکیه‌های بزرگ، یکی از طاق‌نمایها را سردهم می‌بستند. یعنی با اسباب درویشی: پوشت تخت، کشکول، بوق، متشا، تسیح و وصله‌ها و نشانهای دیگر می‌آراستند و یک نفر

تکیه، رکنی از بافت شهرهای سنتی: تکیه، یا حسینیه، یکی از عناصر شکل‌دهنده محله‌های شهرهای سنتی ایران به شمار می‌رفته است. سازمان کالبدی شهرهای قدیم ایران معمولاً بر ۴ اصل پایه‌ای: مرکز شهر، مراکز محلات شهر همراه با یک رشته فشایها و عناصر ارتباط‌دهنده، گذر اصلی و سرانجام میدان، تکیه یا حسینیه استوار بوده است (نک: توسلی، ۸۱). بیشتر تکایای ایران در هر شهر مرکز محله به شمار می‌رفتند و همواره در طول سال از آنها استفاده می‌کردند. شماری تکایای کوچک شهری یا روستایی هم بودند که در طول سال تقریباً عملکردی نداشتند، اما به هنگام عزاداری در ایام سوگواری محرم و صفر و دیگر مراسم جمعی کارآمد می‌شدند (سلطان‌زاده، ۱۸۳). مستوفی از غیر فعال بودن تکیه‌هایی که پر افتاده و دور از گذرگاههای مردم بودند، صحبت می‌کند و می‌نویسد: این تکیه‌ها در سرتاسر سال خالی می‌افتادند و زباله‌دان اهل محل می‌شدند و یا بقاله‌ای گذر در غرفه‌های آنها پیاز خشک می‌کردند و خواربارشان را انبار می‌کردند. هر سال چند روز به ایام عزاداری ماه محرم، داشها و لوطیهای محل به فرمان بابا شمل محله تکیه‌ها را پاکیزه و تعمیر می‌کردند و چادر در آن می‌افراشتند و مراسم سوگواری راه می‌انداختند (۳۰۰/۱).

در بافت شهری ساری تکیه جزء تفکیک ناپذیر هر محله بود و در واقع هر محله با بربایی تکیه رسمیت می‌یافتد (دنشتماهه...، ۶۵/۸، به نقل از اسلامی). در ۴ محله قدیم شهر دماوند نیز، هر یک از محله‌ها یک تکیه داشت که مرکز محله و محل تجمع مردم، به ویژه در ایام عاشورا بود (علمداری، ۴۴).

**معماری تکیه:** در گذشته ساختمان خانقاها و تکیه‌های اهل تصوف را به گونه‌ای می‌ساختند که صوفیان و درویشان بتوانند مراسم «سماع و رقصهای صوفیانه» خود را در آنها اجرا کنند. از این رو، در این خانقاها و تکیه‌ها فضایی در میانه ساختمان بنا می‌کردند و «کرسی و تخته‌بند» قطب یا مرشد را برای مجلس گفتن در آن می‌گذاشتند (ذکاء، ۲۸۳). از زمانی که مردم به فک افتادند که تکیه‌هایی مخصوص اجرای شبیه‌خوانی بسازند، بنا بر همانندی کاربری این تکیه‌ها با خانقا و تکیه درویشان و نیز به سبب ارتباط تاریخی آن با کاروان‌سرا، فضای داخل ساختمان تکیه تعزیه‌خوانی را کم‌وپیش مانند معماری تکیه درویشان و کاروان‌سرا بنا می‌کردند.

شکل معماری فضای تکیه‌های ثابت تعزیه‌خوانی به‌طور کلی چنین بوده است: ساختمانی بی‌سقف یا سقف‌دار؛ سکویی در میان فضای داخلی با دو ردیف پلکان در دو سو یا به جای آن شیوه ملایم برای عبور اسب؛ گذرگاهی در دورادور سکو برای اسب تازی و جنگ و نبرد؛ جایگاهی در پرامون گذرگاه برای نشستن زنان و کودکان تماشاگر؛ غرفه‌ها یا طاق‌نمایهای معمولاً

عبارة بودند از سکوی نعل اسپی، سه گوش و متحرك. ساختن سکوی «قاب عکسی» هم در اواخر دوره پهلوی در ایران متداول شد. به تمام سکوهای گرد، مستطیل، مربع یا چندضلعی، بی توجه به شکل هندسی آنها سکوی مدور یا گرد می گفتند (فلاحزاده، ۲۰۵؛ شهیدی، ۲۴۳). صحنۀ نمایش در تاترهای یونانی نیم دایره، یا به اصطلاحی که در سده‌های اخیر رواج یافت، «قاب عکسی» بود. صحنۀ گرد در اروپا، در نیمة نخست سده ۲۰، و به نظر برخی همراه با گزارش سیاحان اروپایی از تکیه‌های ایران، به اروپا راه یافت (فروغ، ۹۱۴). برخی از تکیه‌ها یا کاروان‌سراها که سکونداشتند، روی سقف آب انبار یا روی حوض میان کاروان‌سرا یا تکیه را با تیر و الوار و تخته می‌پوشاندند و روی آن تعزیه‌خوانی می‌کردند (بیضاًی، همانجا).

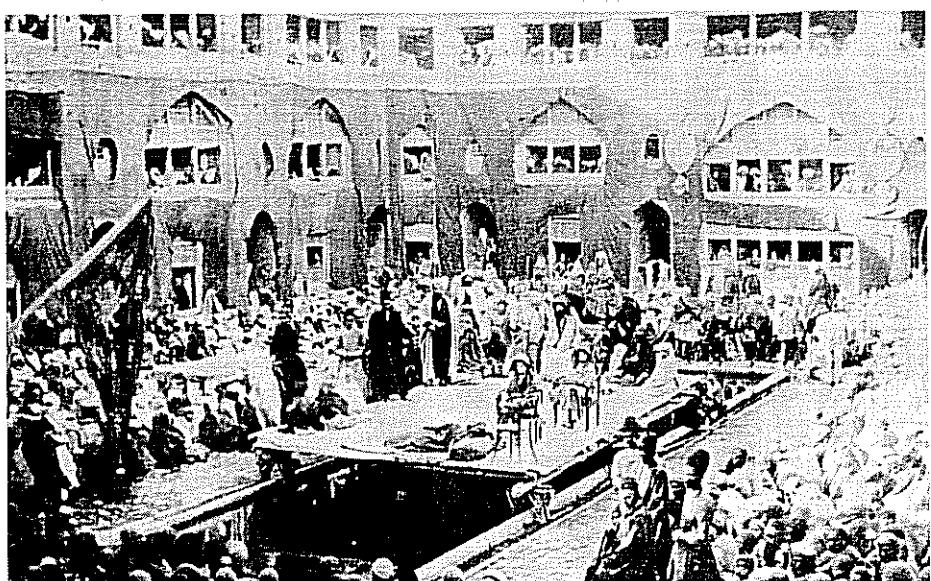
فضای داخلی ساختمان برخی از تکیه‌های قدیمی به ۳ بخش یا صحن به هم پیوسته تقسیم می‌شد: صحنۀ حسینیه، عباسیه و زینیه. در صحن عباسیه مراسم عزاداری حضرت عباس، در فضای صحن حسینیه مراسم عزاداری امام حسین (ع) و تعزیه‌خوانی برگذار می‌شد. صحن زینیه اتاقهای پشت حسینیه را دربرمی‌گرفت (دانشنامه، ۶۴/۸، نقل از ایران آذین). در برخی از شهرها، از جمله شوشتر، ساختمانهای عباسیه و زینیه را مستقل و جدا از حسینیه یا تکیه می‌ساختند (معتمدی، ۴۴۱/۲).

تکیه معاون‌الملک، معروف به تکیه معاون در کرمانشاه، جنب آشوران – که آن را حسن‌خان معاون‌الملک در سالهای ۱۲۴۰-۱۲۵۰ می‌ساخت – نمونه برگسته تکیه‌های ۳ بخشی پیوسته است.

دیوار صحنها با کاشیهای نقش‌دار پوشیده شده است. کاشیهای صحن عباسیه با نقش مجالسی مانند مجلس حضرت سلیمان در میان حیوانات، مجلس حضرت یوسف و برادران و مجلس جن و انس؛ کاشیهای صحن زینیه با مجالسی از وقایع کربلا مانند آب آوردن حضرت عباس، آتش زدن خیمه‌ها و شهادت حضرت علی اکبر تعزیز شده‌اند (خلج، ۴۱-۴۰). ورجاوند زینیه را در مجموعه تکیه معاون‌الملک، قلب آن دانسته که گنبد بزرگ تکیه بر فراز آن سر برافراشته است (نک: دایره المعارف تشیع، ۶۱/۵؛ برای اطلاعات بیشتر درباره چگونگی ساختمان این تکیه،

در آن می‌نشست و اشعار مذهبی و ۷ بند محتمم را می‌خواند (مستوفی، ۳۰۱/۱). در تکایای قم هر طاق‌نما را به صورت خاصی می‌آراستند: طاق‌نمایی را با چراغهای السوان و آینه و شمعدان، طاق‌نمایی را با سلاحهای جنگی قدیم، و طاق‌نمایی را هم با اسباب زینتی شتر اسرای کربلا مانند افسار، منگوله، زنگ و مانند آنها. چند طاق‌نما را هم به ترتیب به حضرت علی اکبر (ع)، حضرت ابوالفضل (ع)، حجله حضرت قاسم، بارگاه یزید، سردم و دیر، محل نشستن سردمدار اختصاص می‌دادند (عباسی، ۷۰).

در تکیه دولتِ تازه‌ساز تهران، هر یک از طاق‌نمایها، به جز طاق‌نمای مخصوص ناصرالدین‌شاه، به یکی از وزیران و حاکمان ولایتی تعلق داشت. صاحبان طاق‌نمایها موظف بودند که در دهه محرم هر سال به هزینه خود طاق‌نمایها را با قالی و قالیچه و پرده و پارچه‌های گرانبها و جار و چلچراغ و تزیینهای دیگر بیارایند. در این طاق‌نمایها اعضای خانواده و دوستان صاحبان طاق‌نمایها می‌نشستند. رجال و اعیان در طبقه زیر یا اول، همسران و زنان



تعزیه‌خوانی در کاروان‌سرا ارامنه در تهران،

عکس از کویرهای ایران (هدین، ۸۵۱)

دوست و خویشاوند در طاق‌نمای طبقه دوم و سوم می‌نشستند. در شباهی هشتم و نهم محرم ناصرالدین شاه به طاق‌نمایها می‌رفت و از صاحبان آنها دیدن می‌کرد و هر یک از صاحبان طاق‌نمای پیشکشی به شاه تقديم می‌کردند. این پیشکش اجازه بستن طاق‌نما را در سال دیگر هم به آنها می‌داد (شهیدی، ۲۲۲؛ برای اطلاعات بیشتر از تکیه دولت، نک: هد، تکیه دولت).

سکوی تکیه‌ها را به شکل‌های مختلف و مطابق با شکل و ابعاد زمین و شرایط اصلی فضای ساختمان می‌ساختند. سکو یا صحنۀ گرد، عام‌ترین شکل سکوها بود. انواع دیگر سکوها

در آن دوره به جز تکیه‌های شاهی و دولتی و تکیه‌های اعیانی - اشرافی، عامه مردم محله‌ها نیز از هر قشر و صنف در محله‌شان یک یا چند تکیه ساخته بودند. با توجه به آنچه در آمار دارالخلافه تهران آمده است، در ۱۲۶۹ق، سالهای نخستین سلطنت ناصرالدین‌شاه، ۵۴ باب تکیه در شهر تهران دایر بوده است. از این شمار ۳ باب به نامهای «تکیه پادشاهی»، «تکیه جناب صدراعظم» و «تکیه دریجه» در محله ارک (ص ۴۸) و ۵۱ تکیه دیگر در محله‌های عودلاجان، بازار، سنگلچ و چال میدان قرار داشتند (برای شمار و نام تکیه‌های هر محله، نک: همان، ۱۲۴، ۱۷۲، ۲۵۵، ۳۰۲، نیز بلوکاشی، «تعزیه‌خوانی در ...»، ۲۵).

بیشتر این تکیه‌ها را مردم پیش از سلطنت ناصرالدین‌شاه و در دوره سلطنت طولانی فتحعلی‌شاه و نوہاش محمدشاھ از ۱۲۶۴ تا ۱۲۶۶ق ساخته بودند. در دوره ناصری نیز تکیه‌سازی دوباره رواج یافت و شمار آن از ۵۴ باب به ۷۵ باب رسید. در دوره مظفری بسیاری از تکیه‌های دایر تهران از رونق افتاد و تعطیل شد و شمار آنها به حدود ۴۳ باب تقلیل یافت (شهیدی، ۲۵۰). ذکاء اسامی ۴۶ تکیه را تا ۱۲۸۵ق در تاریخچه ساخته‌های ارگ سلطنتی آوردۀ است (ص ۲۸۴).

در کتاب پژوهشی در تعزیه‌خوانی تهران فهرست نام ۹۵ تکیه - که بیشتر در دوره قاجار در تهران ساخته شده‌اند - آمده است. از این تکیه‌ها شماری از میان رفته‌اند و شماری هم تبدیل به محل کسب و کار شده‌اند و چندتایی نیز هنوز پایرجا مانده‌اند (برای نام و محل این تکیه‌ها، نک: شهیدی، ۲۴۷-۲۴۸). تعیین تاریخ و زمان ساختن بنای هر یک از این تکیه‌ها و مشخصات معماری آنها و نحوه پدید آمدنشان تا پیش از بد

دست آمدن سند و مدرک معتبر تاریخی دشوار خواهد بود.

گروه‌بندی تکیه‌ها: تکیه‌های تهران را بر اساس گروه و صنف و پایگاه اجتماعی سازندگان و بایان آنها و نیز معروفیت تکیه‌ها به محله یا امامزاده و یا جا و رویدادی می‌توان به ۱۰ گروه تقسیم کرد:

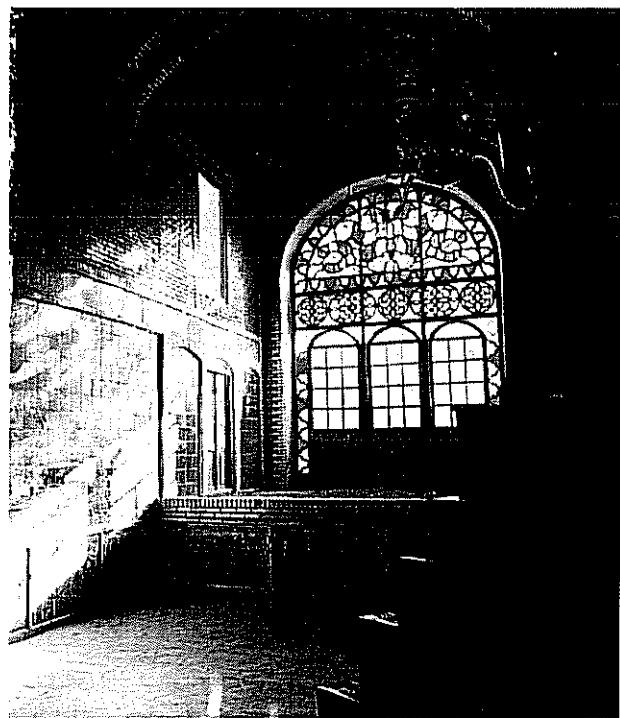
۱. تکیه‌هایی که بایان آنها گروه‌های قومی ساکن در شهر تهران بوده‌اند و هر یک مخصوص عزاداری اعضاً یکی از گروه‌ها بوده است، مانند تکیه عربها و قفقازها (یا قفقازیها) در محله چال‌میدان و تکیه خلجهای در محله بازار.

۲. تکیه‌هایی که افراد گروه‌های صنفی - شغلی ساخته بودند و هر یک به صنف و شغلی خاص اختصاص داشت، مانند تکیه زرگرها و قاطرجیها در محله‌های چال‌میدان و بازار.

۳. تکیه‌هایی که به مهاجران شهرستانی مقیم تهران اختصاص داشت و با کمک مالی و یاری آنها ساخته شده بودند، مانند تکیه قمیها و کرمانیها در محله سنگلچ.

نک: همان، ۶۱/۵-۶۲).

**تکیه‌سازی:** در دوره قاجار، عصر شکوفایی تعزیه‌خوانی، مردم از صدر تا ذیل در ساختن تکیه یا کمک در ساختن و برقا کردن تکیه در محلات خود شوق و علاقه بسیار فراوان نشان می‌دادند. شیفتگان اهل بیت پیامبر (ص) می‌کوشیدند تا با بنا کردن تکیه و وقف پاره‌ای موقوفات برای نگهداری آن، اجری دنیوی و اخروی برای خود به دست آورند و در میان سر و همسر و دوست و قوم، نامی نیک از خود به جا گذارند (بلوکاشی، «تعزیه‌خوانی در ...»، ۲۴). کنست دوگویندو که از ۱۲۷۲ تا ۱۲۷۷ق ۱۸۵۵ تا ۱۸۵۸م در دوره سلطنت ناصرالدین شاه در ایران به سر می‌برده است، درباره علاقه مردم به تکیه‌سازی و شمار بسیار تکیه‌ها در تهران می‌نویسد: شاه و هر یک از خدمتگزاران دولت و اعیان و تجار تکیه‌ای ساخته‌اند و



داخل شبستان تکیه معاون‌الملک در گرانشاه (عناصری، ۸۴) صاحب تکیه‌ای هستند. تقدس و اجز و ثواب تکیه‌سازی آنچنان است که هر کس می‌کوشد برای مفاخره در این دنیا و خیر و ثواب در آخرت به این کار پردازد (ص ۳۳۹؛ نیز نک: سرنا، ۱۷۹-۱۸۰). در قم ساختن تکیه پیشینه بسیار دراز دارد و هر محل و محله آن دارای تکیه خاص خود بوده است. از تکیه‌های قدیم و معروف آن تکیه امیر، سنگ سیاه، چهار مردان باغ پنبه، پنجه‌علی، چهل اختران، متولی‌باشی و چند تای دیگر است (برای شرح تکیه‌های قم و بانی آنها و جگونگی عزاداری و تعزیه‌خوانی در آنها، نک: عباسی، ۶۸ بـ).

نمایشگاهی آینی تعزیه‌خوانی طراحی کرده و ساخته بودند. در این مجموعه قدیمی دو تکیه حمام خانم و افشارها احتمالاً از بنای‌های اوآخر دوره صفوی بوده است.

تکیه حمام خانم را خواهر شاه‌طهماسب دوم صفوی (۱۱۳۵-۱۱۴۵ق) همراه با حمام و مدرسه در محله عولادجان و در بخش جنوبی امامزاده یحیی ساخت. مساحت آن را حدود ۲۰۰۰ م² و دارای چند باب دکان موقوفه نوشته‌اند (برای تکیه افشارها نیز در دوره همان شاه و در محله سنگلچ، نک: جواهر کلام، ۷۷/۱؛ نیز نک: شهیدی، ۲۴۵ و ۲۵۴) و در کنج شمال‌غربی باروی شاه طهماسبی ساختند (ستوده، «تهرانی...»، ۱۸۰). مدرسه خانم را افغانها خراب کردند و بعدها صاحب دیوان در جای آن حسینیه ساخت (جواهر کلام، همانجا).

در تهران تکیه‌های قدیم بسیار بزرگ و معترضی وجود داشت که از معروف‌ترین آنها، تکیه حاج میرزا آقاسی، تکیه سید اسماعیل، تکیه نوروزخان، تکیه میرزا صالح مستوفی و تکیه معمتم الدوله را می‌توان نام برد. تکیه حاج میرزا آقاسی، معروف به تکیه عباس‌آباد در میدان ارگ قرار داشت. سازنده تکیه حاج میرزا آقاسی، صدراعظم محمدشاه بود و آن را در زمان صدراعظی خود (۱۲۶۴-۱۲۵۱ق) ساخت و بنا بر ضبط آمار دارالخلافة تهران («تکیه جناب صدراعظم» نیز نامیده می‌شد (نک: ح: ۴۸؛ بلوکباشی، «تعزیه‌خوانی در»، ۲۵۲۴). این تکیه را به مناسبت اجرای تعزیه‌های دولتی در آن برخی به اشتباہ تکیه دولت قدیم پنداشتند، در حالی که تکیه دولت قدیم که در ارگ و تقریباً در کنار تکیه صدراعظم یا حاج میرزا آقاسی قرار داشت، جدا و مستقل از این تکیه و به تکیه شاهی یا پادشاهی شهرت داشت (نک: آمار، همانجا؛ شهیدی، ۲۱۳).

تکیه حاج میرزا آقاسی بسیار بزرگ بود و روزنامه و قایع اتفاقیه در شرح ورش باد و پاره کردن و فروانداختن چادر آن (در روزنامه به نام تکیه دولت آمده است) به بزرگی چادر اشاره می‌کند و می‌نویسد: چادر تکیه ۵۲ ذرع طول و ۳۲ ذرع عرض آن بود که با ۹ دیرک بر پا شده بود؛ در صورتی که چادر تکیه‌های بزرگ دیگر را معمولاً با ۳ تا ۶ دیرک بر می‌افراشتند (شم: ۴۰؛ نیز نک: شهیدی، ۲۴۶).

تکیه سید اسماعیل در کنار امامزاده سید اسماعیل در بخش ۸ محله بازار قرار داشت. مساحت آن ۱۸۰۰ م² بود که آن را حاج حسن ییگلریگی در تاریخ ۱۲۶۲ق همراه با ۶ دانگ عرصه خانه وقف کرده بود (بلاغی، ط: ۶۰). تکیه نوروزخان در محله بازار از تکیه‌های بود که در اوایل سلطنت فتحعلی‌شاه ساخته شد. بانی آن نوروزخان پسر الله‌وردی خان، از طایفه عزالدین‌لوی قاجار و رئیس تشریفات دربار فتحعلی‌شاه بود که تکیه را همراه با حمام و سقاخانه ساخت (بامداد، ۴۳۲/۳).

۴. تکیه‌هایی که به همت افراد خیری از حرفه‌های مختلف ساخته شده بودند و هر یک به نام بانی اصلی آن، یا شخصیت بر جسته و محترمی در همان حرفه شناخته می‌شد، مانند تکیه‌های حاجی محمد جعفر خیاز، سید احمد مقتنی در محله بازار و تکیه میرزا حسین حکیم‌پاشی در محله سنگلچ.

۵. تکیه‌هایی که به نام یکی از مأموران تشکیلات حکومتی خوانده می‌شدند. این مأموران یا خود بانی ساختن تکیه‌ها بودند، یا به دلایلی خاص، مردم تکیه‌ها را به نام آنها می‌خواندند. تکیه‌های عابد میر غضب و آقامحمد جعفر نایب در محله سنگلچ، تکیه کدخدا شریف در چال میدان و تکیه یاور توپخانه مبارکه در محله بازار از این زمرة‌اند.

۶. تکیه‌هایی که رجال دولتی و شخصیت‌های مملکتی و اعیان سرشناس تهران آنها را بنا کرده بودند، مانند تکیه‌های معتمددالدوله مرحوم و نوروزخان در محله بازار و تکیه‌های ابوالقاسم شیرازی، درب خانه محمدحسن تاجر و حاجی‌پاچر به ترتیب در محله‌های چال میدان، عودلاجان و سنگلچ.

۷. تکیه‌هایی که به سبب مجاورت با زیارتگاهها به نام صاحب مزار آن زیارتگاهها مشهور و معروف بوده‌اند، مانند تکیه ناصرالدین یا نصرالدین در محله سنگلچ، پیرعطاء در عودلاجان و تکیه‌های چهل تن، هفت تن و در امامزاده زید در محله بازار.

۸. تکیه‌هایی که به نام مسجد و مدرسه و حمام مجاور خود نام‌گذاری شده بودند، مانند تکیه در مسجد جامع در محله بازار و تکیه‌های درب مسجد حوض، درب مدرسه و درب حمام در محله عودلاجان.

۹. تکیه‌هایی که بنا بر اهمیت و شهرت کارخانه صنایع نظامی و صنعت چرم‌سازی در محل به نام آنها شناخته می‌شدند، مانند تکیه‌های قورخانه کهن و دباغخانه در محله سنگلچ و تکیه زنبورک خانه در محله بازار.

۱۰. تکیه‌هایی که به نام گذرها و محله‌ای که در آنها قرار داشتند، معروف بودند، مانند تکیه‌های پاچtar، چال حصار و سرپولک به ترتیب در محله‌های بازار، سنگلچ و چال میدان، و تکیه‌های سرچشمه و پامنار در محله عودلاجان.

سازندگان و بانیان تکیه‌هایی که به نام زیارتگاهها، مساجد، مدارس، کارخانه‌ها و محله‌ها شهرت داشتند، عموماً از میان رجال و شخصیت‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و یا از میان عامة مردم قشرها و صنفهای مختلف برخاسته بودند (بلوکباشی، همان ۲۷-۲۶، تعزیه‌خوانی حدیث ...۹۷-۹۶).

تکیه‌های قدیم تهران: تکیه‌های قدیم تهران یک مجموعه از تکیه‌های ساخته شده در دوره قاجار را دربر می‌گیرد. معماری فضای ساختمانی بیشتر این تکیه‌ها را متناسب با اجرای

تاریخ وقف آنها، نک: بلاغی، (ط) ۵۳-۴۸، جم: برای تکیه‌های شمیرانات، نک: سوده، جغرافیا...، ۲۰۱، ۱۳۹/۱، جم).

تکیه‌های موقت: تکیه‌هایی هستند که هر سال در ماه محرم در حیاط خانه‌ها یا در زیر چادرهای برافراشته بر پا می‌کنند و دسته‌های عزادار یا تعزیه‌خوانان در آنها روضه و تعزیه می‌خوانند. شاهزادگان و رجال اعیان دوره قاجار معمولاً هرساله حیاط خانه‌های خود را سیاه می‌بینند و چادری بر فراز آن می‌زندند و روی حوض خانه‌هایشان را با تیر و السوار می‌پوشانندند و به تعزیه‌داری می‌پرداختند. بنا بر گزارشی حاج محمدحسین خان امین‌الدوله، معروف به صدر اصفهانی، خزانه‌دار و وزیر امور مالية میرزا محمد شفیع، صدراعظم فتحعلی شاه، ظاهرآ حیاط خانه‌اش را در دهه‌های محرم هر سال سیاه می‌بینست و در آن تعزیه‌خوانی می‌کرده (بلوکباشی، تعزیه‌خوانی حدیث، ۹۴-۹۳). جیمز موریه به یکی از تعزیه‌خوانیها در خانه او در محروم ۱۲۲۴ / فوریه ۱۸۰۹ اشاره می‌کند (ص ۱۹۵). الکساندر خوجکو به ۱۵ روز تعزیه‌خوانی در خانه میرزا ابوالحسن خان شیرازی، معروف به ایلچی، نخستین وزیر امور خارجه فتحعلی شاه (از ۱۲۳۹ تا ۱۲۵۰) در محرم ۱۲۴۹ / زوئن ۱۸۳۳ اشاره دارد و شرحی از شکوه و جلال این تعزیه‌خوانی می‌دهد (ص 21، مقدمه: بلوکباشی، همان، ۹۴).

چارلز ویلس به تفصیل درباره برپا کردن تکیه چادری بزرگ و موقتی که شاهزاده ظل‌السلطان هر سال در محرم در پایی عمارت خود در اصفهان بر پا می‌کرد و در آن مراسم روضه‌خوانی و شیوه‌خوانی راه می‌انداخت، می‌آورد. او همچنین چند مجلس تعزیه را آن‌چنان که در این تکیه چادری می‌خوانندند، با توضیح درباره تعزیه‌خوانان و اسباب و ابزار تعزیه، وصف می‌کند (ص ۲۷۴-۲۶۵).

قادر تکیه‌ها را از کرباس و متناسب با بزرگی فضای تکیه یا حیاط خانه در چند قطعه می‌دوختند. به گفته عین‌السلطنه چادر تکیه سعدالسلطنه ۸ خروار وزن و ۷ دیرک داشت (۲۳۰/۱). پشت و روی چادرها را با تصاویر و نقشهای گوناگون تزیین می‌کردند. قادر تکیه دولت نیز بسیار زیبا و با انواع نقشها و نوار‌وزیهای رنگارنگ آراسته بود. روی آن تصاویری از شیر، پلنگ، طاووس، مرغ و گل و گلستان، شیرهای شمشیر به دست و خورشید به پشت، دوخته بودند (شهری، ۱۱۴/۱). در اصفهان روی چادرها یا خیمه‌های تکیه، پرده‌های نقاشی بزرگی که مجالسی از وقایع کربلا را نشان می‌داد، نصب می‌کردند (معتمدی، ۳۲۲/۲). درون تکیه‌های چادری موقت را هم معمولاً با انواع وسایل مانند پوست حیوانات وحشی، شمشیر، سپر، قالیچه، شالهای کشمیری رنگارنگ، چلچراغ، آینه، گلدانهای چینی، تابلوهای نقاشی و منبت کاریهای امانی تزیین می‌کردند

۳۹۵-۳۹۴/۴ ۱۱۷۷ ش دانسته است (ص ۱۲۳). این تاریخ مطابق است با ۱۲۱۳، دو مین سال سلطنت فتحعلی‌شاه. این تکیه را «تکیه حسام‌السلطنه»، به نام سلطان مراد میرزا، عمومی ناصرالدین شاه نیز می‌نامیدند (بلاغی، (ط) ۵۲). ظاهرآ حسام‌السلطنه سرپرستی امور تکیه را بر عهده داشت و احتمالاً تعمیر و بازسازی آن را هم پذیرفته بود (شهیدی، ۲۵۵).

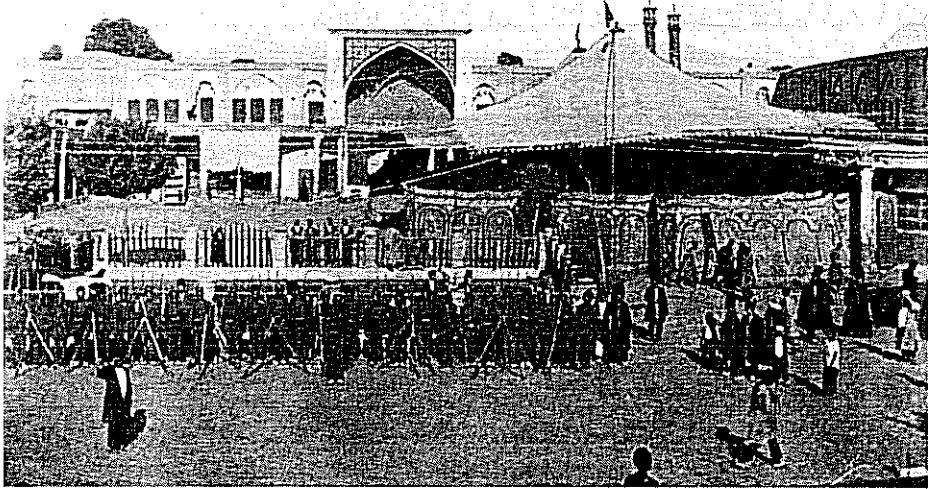
تکیه معتمدالدوله که به تکیه منوچهرخان نیز شهرت داشت، از ساخته‌های منوچهرخان گرجی بود. منوچهرخان (د ۱۲۶۳) از ارمنیان گرجستان بود که به ایران آمد و به دین اسلام گروید. او در دربار فتحعلی‌شاه ایج آقاسی (خواجه‌باشی) و ایشیک آقاسی (رئیس تشریفات) بود و در زمان محمدشاه لقب معتمدالدوله یافت (دایرة المعارف فارسی، ۲۸۷۷/۲، مارکام، ۱۱۹). معتمدالدوله تکیه‌ای در محله بازار ساخت و آن را در ۱۲۶۰ق همراه ۳باب‌دکان واقع در همان محل تکیه، وقف کرد (بلاغی، (ط) ۷۹). دایرة المعارف فارسی (۷۰۲/۱) در شرح توسعه تهران در دوره فتحعلی‌شاه بنای بازارچه و تکیه منوچهرخان در قسمت غربی محله بازار را به اشتباہ از بنای‌های تازه‌ساز تهران در این دوره نوشته است. تاریخ وقف تکیه در ۱۲۶۰ق، سال واقعی احداث بنا را در زمان محمدشاه روشن می‌کند (نیز نک: شهیدی، ۲۱۳).

تکیه میرزا صالح مستوفی را مستوفی، از رجال عهد فتحعلی شاه، همراه ۷ باب دکان در تاریخ ۱۲۲۴ق وقف کرد. این تکیه در محله عودلاجان واقع بود (بلاغی، همانجا). در آمار دارالخلافة تهران، در فهرست تکیه‌های تهران در ۱۲۶۹ نام تکیه‌های سید اسماعیل و میرزا صالح مستوفی نیامده است، در حالی که این تکیه‌ها پیش از آن تاریخ ساخته شده‌اند. شاید این تکیه‌ها به نامهای دیگری شهرت داشته‌اند.

از تکیه‌های دولتی قدیم تهران دو تکیه نیاوران در کنار کاخ نیاوران و تکیه سلطنت آباد را نیز می‌توان یاد کرد. تکیه گوچک نیاوران را در ۱۲۷۳ق به گفته ذکاء (ص ۲۸۷) و ۱۲۷۴ق به گفته شهیدی (ص ۱۸۰)، و تکیه سلطنت آباد را در ۱۲۷۸ق به دستور ناصرالدین شاه ساختند. هنگامی که ماه محرم مقام را اقامت شاه در نیاوران یا سلطنت آباد می‌شد، این تکیه‌ها را می‌بینند و در آن بساط با شکوه تعزیه‌خوانی برای شاه و همراهان و مردم محل راه می‌انداختند (شهیدی، همانجا). اعتمادالسلطنه در وقایع سال ۱۲۷۸ق به تعزیه‌خوانی در تکیه سلطنت آباد — که به تازگی ساخته و دایر شده بود — در دهه دوم ماه صفر اشاره دارد (مرآۃ البلاط، ۱۳۸۵/۲). همو به تعزیه‌خوانی‌های شاه در تکیه نیاوران و سلطنت آباد بارها اشاره می‌کند (همان، ۱۳۱۱/۲، ۱۳۶۷، ۱۴۴۱، ۱۴۱۷/۳، جم: برای صورت برخی تکیه‌های قدیم تهران و بانیان و محل ساختمان و

پرموقوفه ایران، تکیه معروف میرزا حسین وزیر در شهر کرمان بود. پاشاخان وزیری شرح مبسوطی درباره این تکیه که در محله خواجه خضر کرمان واقع بود، نوشت، و فهرست وقایات آن را یکایک برشمرده است. انواع ظروف می، کاسه و بشقاب و شربت خوری، سرانداز و کناره و قالی و نمداهای رنگارنگ، انواع تشتها و قلیانهای بلور، سماورهای برنجین و مسوار روئی و اسباب سماور و میوه‌خوریهای نقره و دهها چیز متعدد دیگر از جمله موقوفات تکیه میرزا حسین وزیر بود. هر سال در این تکیه مجالس روضه‌خوانی و شیوه‌گردانی مفصل در ۱۰ روز محرم برگزار می‌شد که بیانگر نقش کارآمد تکیه در شهرهای ایران درگذشته، بدرویژه در دوره قاجار است (برای اطلاعات بیشتر درباره این تکیه، نک: وزیری، ۲۰۶-۱۹۸).

بانیان تکیه‌ها، گاهی حمام نیز در جوار تکیه خود می‌ساختند و آنها را در راه خدا وقف می‌کردند. ستّت حمام‌سازی از دیرباز در ایران رسم بود. برخی از خانقاها و زاویه‌های درویشان نیز حمام وقفی داشتند، مانند حمام زاویه شیخ علی بن



سهل در اصفهان (نک: ابن‌بطوطه، ۳۶۸). یکی از انگیزه‌های ساختن حمام در جوار تکیه، جدا از ثوابی که در تطهیر مردم به شمار می‌آمد، جنبه تقدس تکیه، بدرویژه در ماههای سوگواری بود که مردم رفتن به آن را با جسمی ناپاک جایز و روا نسی دانستند. از این‌رو، مؤمنان و معتقدان پس از رفتن به حمام و تطهیر خود، برای عزاداری سیدالشهداء به تکیه می‌رفتند. از جمله حمامهای جنب تکیه در تهران، می‌توان تکیه و حمام خانم در محله عودلاجان، حمام و تکیه نوروزخان در محله بازار، و در شهر کرمان تکیه و حمام وزیر را نام برد. بلاغی به تکیه قمرالسلطنه، همسر مشیرالدوله اشاره می‌کند که در جنب آن حمامی نیز ساخته و وقف کرده بود (ص (ط) ۶۷).

از بنایهای رایج دیگری که در کنار تکیه می‌ساختند و وقف تکیه‌ها در تهران و دیگر شهرها می‌کردند، سقاخانه، آب‌انبار و سقانهار بود. تکیه‌های نوروزخان در محله بازار، رضا قلی خان در محله عودلاجان، و حاج رجبعلی در محله سنگلچ از جمله تکایای تهران بودند که در جنب هر یک از آنها سقاخانه‌ای نیز ساخته بودند. در کنار تکیه رضا قلی خان یک آب‌انبار وقفی نیز احداث کرده بودند (همو، (ط) ۵۲، ۵۹، ۶۳، ۶۷).

(فلاح زاده، ۲۰۵). در این روزگار هم در محله‌ها و گذرهای پرجمعیت که تکیه و حسینیه ندارند، یا گنجایش تکیه و حسینیه‌هایشان پاسخگوی نیاز محله نیست، برپاکردن و بستن تکیه‌های چادری و تکیه‌های وقت در فضاهای باز یا در حیاط خانه‌ها مرسوم است. این تکیه‌ها را معمولاً با پارچه‌های سیاه و سبز و کتیبه‌هایی از اشعار مذهبی و شعر عاشورای محثتم کاشانی، شمايل پامبر (ص) و حضرت امیر و حضرت عباس و پنج تن (ع)، پرده‌های درویشی و

چادر وقت برای روضه‌خوانی و تعزیه در دوره ناصری در دهانه بازار تهران (ذکاء، ۲۱۶). گف زمین آن را فرش می‌کنند و منبری چندپله، چند تا علم، علامت، بیرق و توغ در آن می‌گذارند و سقاخانه کوچک متجرکی نیز کنار در ورودی یا داخل تکیه قرار می‌دهند (یادداشت مؤلف).

**موقوفات:** هر تکیه ثابت معمولاً موقوفاتی مانند زمین زراعی، باغ میوه، دکان، آب، خانه و جز آنها داشت که درآمد آنها صرف هزینه نگهداری و تعمیر بنای تکیه و پرداخت دستمزد به خدمان و هزینه تعزیه‌داری و اطعم عزاداران و قیران می‌شد. متابع مکتوب بعضی به موقوفات برخی از تکیه‌ها اشاره کرده‌اند که در اینجا چند نمونه از این موقوفات را یاد می‌کیم: تکیه میرزا صالح مستوفی ۷ باب دکان، تکیه سید اسماعیل ۶ دانگی یک باب خانه و تکیه معتمددالوله ۳ باب دکان موقوفه داشتند که واقعان آنها را برای هزینه تعزیه‌گردانی، اطعم فقرا و تعمیر و روشنایی تکیه‌ها وقف کرده بودند (بلاغی، (ط) ۷۹، ۶۰). موقوفه تکیه حسین علی در قم، مزرعه مرویان رودآب با ۵ خروار آب بود (مدرسی طباطبائی، ۳۸۱/۱).

در شهرهای دیگر نیز بانیان تکیه هر آنچه داشتند و می‌توانستند، وقف تکیه‌هایشان می‌کردند. یکی از تکیه‌های

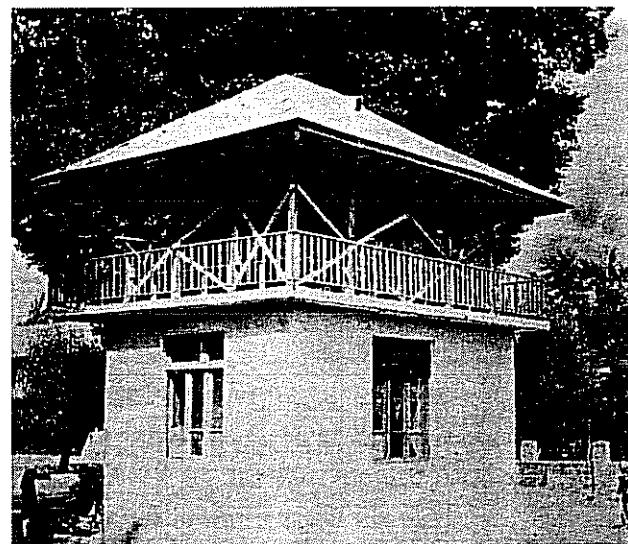
می‌کند و می‌نویسد: در آخرین روز عزاداری، شاه که در طاق‌نایابی بزرگ مشرف به میدان نشسته بود، به کارگزاران مراسم که به حضورش آمده بودند، اظهار لطف می‌کرد (بلوکباشی، تعزیه‌خوانی حدیث، ۱۰۲-۱۰۷، ۱۰۸).

در دوره ناصری، ناصرالدین شاه هر سال پس از ختم روضه‌خوانی و تعزیه‌خوانی‌های دولتی در تکیه‌هایی که حضور می‌یافتد، مانند تکیه دولت (هم) و تکیه‌های سیدنصرالدین، نیاوران و سلطنت‌آباد، به «عمله تکیه و روضه‌خوانها» و تعزیه‌خوانها خلعت می‌بخشد. این خلعت را در روی سکوی وسط تکیه در میان افراد تقسیم می‌کردند (اعتمادالسلطنه، روزنامه... ۱۳۳). در روزنامه ایران به خلعت بخشیدن شاه در روز آخر عزاداری به «خدمات تکیه مبارکه» اشاره شده است. در آن روز به مجدالدوله خوانسار — که اداره نظام تکیه در دوره تعزیه‌خوانی با او بود — «یک ثوب جبهه ترمۀ شمشۀ مرصع از جامد خانه خاصه» و به ذاکران و واعظان و اجزاء شیوه و دیگران که «از هفت هشت هزار» می‌گذشتند، هر یک «عطایا و انعامات» دادند. در این روزنامه خلعت و انعام بخشیدن «رسم هر ساله» ناصرالدین شاه در ماه محرم دانسته شده است (ص ۱).

تسلیل‌جویی و نذر و نیاز کردن در شب عاشورا و حاجت‌خواهی مردم ایران در آن شب با روش‌کردن شمع در ۴۰ یا ۴۱ منبر در تکیه‌ها از دیگر باورها و مراسم مردم معتقد در برخی شهرها بود. مستوفی می‌نویسد: در تهران، در شب عاشورا گروهی پایه‌های با کیسه یا جعبه‌ای پر از شمع در شهر می‌گشتدند و بدیگر تکیه می‌رفتند و ۴۱ شاخه شمع در ۴۱ منبر، در تکیه‌هایی که در آنها هر روز در دهه عاشورا روضه‌خوانی شده بود، برای برآورده شدن نذر و حاجات‌شان روشن می‌کردند (۱۱/۳۰۳-۳۰۴). نظام‌الاسلام کرمانی در بیاره رسم «چهل منبر» می‌نویسد: در آغاز، این رسم منحصر بود به همان منبری که در دهه عاشورا روضه می‌خواندند، بعد هر جا منبری می‌گذاشتند تا مردم رویش شمع روشن کنند (۲/۲۸۶-۲۸۷).

در برخی از تکیه‌های تهران نیز برنامه‌های ویژه‌ای برای نوزادان و کودکان ترتیب می‌دادند. مثلاً برای پاگرفتن و زنده ماندن بچه نوزاد و یا رشد کودک، شمع قدی نذر، و آنها را در شب عاشورا در تکیه سادات اخوی روشن می‌کردند. هر سال با رشد و قدکشیدن کودک شمع بلندتری در آن تکیه می‌افروختند. این تکیه باعجه‌ای داشت که شمعها را در میان گل و گیاه باعجه می‌شاندند و روشن می‌کردند (مستوفی، ۱/۳۰۲-۳۰۱). جنازه‌های ناصرالدین شاه و فرزندش مظفرالدین شاه را نیز پیش از خاک‌سپاری در گورستان به تکیه دولت برداشتند و بعداً جنازه آنها را با تشریفات رسمی از آنجا به گورستان تشیع کردند (احمد پناهی، ناصرالدین شاه، ۱۲۹؛ اوین، ۱۲۶).

سقانفار — که به سقانپار و سقاتالار نیز معروف است — فضای کوچک اتاق‌مانندی در یک طبقه یا دو طبقه است که آن را به طور مستقل، یا در جوار تکیه‌ها در مناطق مازندران می‌سازند. پلکانی معمولاً چوبی که به آن نغار یا نیار می‌گویند، طبقه اول را به طبقه دوم می‌پیوندد. طبقه اول آنها گاهی بنا و زمانی پایه‌های قطور چوبی است که طبقه دوم بر آنها استوار است. دیوار و سقف فضای اتاقک طبقه دوم برخی سقانفارها با شکلهای گوناگون جبرئیل، خورشید، دیو و دهها شکل دیگر آراسته شده‌اند. مردم برای حاجت‌خواهی و گشایش گره از کار فروپسته خود و نذر و نیاز و انداختن سفره حضرت ابوالفضل (ع)



سقانفار تکیه و هفت پلکون در معلم کلای هزار پی آمل

(ستوده، از آستانه... ۱۴/۲۹۳-۲۹۴)

به این سقانفارها تسلیل می‌جویند (برای تکیه‌ها و سقانفارهای مازندران، نک: ستوده، از آستانه... ۱۴/۱۱۸، ۲۹۶-۲۹۷). کاربریهای عزاداری و شبیه‌خوانی از فعالیتهای عمومی و رایج در تکیه‌ها در ایام سوگواری، بهویژه در ایام دهه عاشورا بوده است. در شماری از تکیه‌ها، مانند تکیه دولت قزوین در گذشته، برگذاری برخی برنامه‌های فرهنگی، همچون سخنوری، گزارش شده است. در دوره فتحعلی شاه، پس از ختم مراسم تعزیه‌داری و شبیه خوانی دولتی در حضور شاه، گردانندگان، دست‌اندرکاران و تعزیه‌خوانان تکیه در پیشگاه شاه گرد می‌آمدند و شاه آنها را مورد لطف و مرحمت قرار می‌داد و احیاناً خلعت و هدایایی هم به آنها اعطا می‌کرد. جیمز موریه به مراسم تعزیه‌داری و شبیه‌خوانی مهر ۱۲۲۴/۱۸۰۹ در میدان ارگ — که آن را در دهه محرم مسدود می‌کردند و سیاه می‌بستند و به صورت تکیه موقت در می‌آورند — اشاره

و میرداد نیکنام، تهران، ۱۳۶۲؛ هدین، اسون اندرس، کویرهای ایران، ترجمه پروین رجی، ۱۳۵۵؛ یادداشتگاه مؤلف، نیز: Aubin, E., *La Perse d'aujourd'hui*, Paris, 1908; Brown, J. P., *The Darvishes*, London, 1968; Chodzko, A. B., *Théâtre persan*, Tehran, 1976; El<sup>2</sup>; Gebineau, J. A., *Les Religions et philosophies dans l'Asie Centrale*, Paris, 1933; *Iranica* ; Morier, J., *A Journey Through Persia, Armenia and Asia Minor to Constantinople*, London, 1812; Peterson, S. R., «The Ta'ziyeh and Related Arts», *Ta'ziyeh Ritual and Drama in Iran*, ed. P. J. Chelkowski, New York, 1979; Serena, C., *Hommes et choses en Perse*, Paris, 1883.

علی بلرکیانی

**تکیه دولت**، بزرگترین تکیه ایران، ساخته شده در عصر ناصری که به نامهای تکیه همایونی و دولتی نیز خوانده می‌شد. این تکیه نه تنها از نظر معماری، بلکه از نظر رواج تعزیه‌خوانی و اجرای نمایش‌های مذهبی و غیرمذهبی و شیوه‌ها و مراسم آنها حائز اهمیت بود (مستوفی، ۲۸۸/۱). علاوه بر این رویدادهای تاریخی و سیاسی مهمی نیز در آن به وقوع پیوست. در دوره ناصری تکیدهای بسیاری در دارالخلافه بربا بود که از مهم‌ترین آنها می‌توان به تکیدهای ولی‌خان، سرچشم، سپهسالار، عباس‌آباد و جز اینها اشاره کرد (گویندو، ۳۴۱؛ ذکاء، تاریخچه...، ۲۸۴). ناصرالدین شاه به سبب نیاز به فضای بزرگ‌تر برای اجرای مراسم مذهبی، در ۱۲۸۵ق/۱۸۶۸م تصمیم به ساخت تکیه دولت گرفت (اعتمادالسلطنه، «تکیده»، بش). ساختمان تکیه در ۱۲۸۷ق آغاز، و با صرف هزینه هنگفتی از خزانه دولتی در ۱۲۹۰ق در گوشش جنوبی ارگ تهران و در محل زندان، انبار و... کاخ گلستان (ذکاء، همان، ۲۸۷؛ نک: همو و سمسار، ۱۴۵-۱۴۱)، نقشه دارالخلافه تهران، اثر آوگوست کریشیش، نیز ۱۴/۲، نقشه دارالخلافه ناصری، اثر عبدالغفار به انجام رسید و نخستین مراسم تعزیه در ذیحجه همین سال در آن اجرا شد (اعتمادالسلطنه، همانجا، «اخبار»، ۸۳۳).

نظریه تقلید از طرح بنای آبرت هال برای ساختمان تکیه دولت به دستور ناصرالدین شاه پس از نخستین سفر وی به اروپا (صفر - شعبان ۱۲۹۰) (سرنا، ۱۷۲؛ پرسون، ۶۹)، نمی‌تواند درست باشد، زیرا بنای آن پیش از سفر یاد شده آغاز و حتی به بهادری رسیده است (اعتمادالسلطنه، همانجا). ساخت سقف گنبدی شکل که قرار بود از «چوب و تخته و شیشه» بر فراز آن بسازند، به سبب مشکلات فنی عملی نشد و ناچار بنا را با چادر پوشاندند (همو، «تکیه»، همانجا، «دارالخلافه»...، ۱۲۷۴). جهانگردان اروپایی به ایرانی بودن معماری تکیه اشاره کرده‌اند. تکیه دولت نمونه‌ای کم‌نظیر از نظر معماری، و از بزرگ‌ترین بنایهای شهر تهران به شمار می‌آمد، به گونه‌ای که از خارج شهر و از فاصله بسیار دور به آسانی دیده می‌شد (همانجا)؛ از این‌رو آن را بد آمفی تئاتر و رونا شبیه کرده‌اند (بنجامین، ۳۸۲).

بنای مدور تکیه با ۳۸۴۶ م² مساحت، ۶۰ متر قطر، ۲۴ متر

ماخذ: آمار دارالخلافه تهران، به کوشش سیروس سعدوندیان و منصوره اتحادیه، تیران، ۱۳۶۸؛ آندریاچ مهدی‌پاشا، به کوشش محمد دیپیساقی، تهران، ۱۳۲۶؛ ابن بطوطه، سفرنامه، ترجمه محمدعلی موحد، تیران، ۱۳۴۸؛ احمد پناهی سنتانی، محمد، آزاد و رسم سردم سنان، تیران، ۱۳۷۴؛ ناصرالدین شاه، تهران، ۱۳۷۷؛ اعتمادالسلطنه، محمدحسن، روزنامه خاطرات، به کوشش ایرج افشار، تهران، ۱۳۵۶؛ همو، سرآبلدان، به کوشش عبدالحسین نوابی و حاشم محدث، تیران، ۱۳۶۷؛ افشار، ایرج، یادگارهای یزد، تیران، ۱۳۷۶؛ یامداد، مهدی، شرح حال رجال ایران، تیران، ۱۳۵۷؛ بالاغی، عبدالحجت، تاریخ تیران، قست خوبی و مثافات، قم، ۱۳۵۰؛ بلوکیانی، علی، تعزیه‌خوانی حدیث قنسی مصابی در نایش آینشی، تیران، ۱۳۸۳؛ همو، «تعزیه‌خوانی در دوره فتحعلی شاه»، درباره تعزیه و شناخت در ایران، به کوشش لاله تقیان، تیران، ۱۳۷۴؛ همو، نخل گردانی، تیران، ۱۳۸۰؛ بیشانی، بهرام، نایش در ایران، تیران، تیران، ۱۳۷۱؛ توسلی، محسود، «حبیبه‌ها، تکایا، مصلی‌ها»، معماری ایران، دوره اسلامی، به کوشش محمد یوسف کیانی، تیران، ۱۳۶۶؛ جواهر کلام، عبد‌العزیز، تاریخ تهران، تیران، ۱۳۲۵؛ خلیج، منصور، تاریخچه نایش در باختیان (کرمانشاه)، تیران، ۱۳۶۴؛ خیر الدین، م، موسوعه حلب الشارقة، به کوشش محمد کمال، جامعه حلب؛ دانشنامه جهان اسلام، تیران، ۱۳۸۲؛ دایرة المعارف تشیع، به کوشش احمد صدر حاج سیدجوادی و دیگران، تیران، ۱۳۷۵؛ دایرة المعارف فارسی؛ دراجی، احمد محمدحسن، الربط و التکایا البخاریه فی العهد العثماني، بغداد، ۲۰۰۱؛ ذکاء، یحيی، تاریخچه ساختهای ارک سلطنتی تهران و راهنمای کاخ گلستان، تیران، ۱۳۴۹؛ روحانی، کاظم، «اصناف و پیشوaran در تاریخ ایران»، کیانی اندیشه، تیران، ۱۳۶۶؛ شه، ۱۲؛ روزنامه ایران، ۱۶ محرم ۱۴۰۴ق، شه، ۶۱؛ کتابخانه ملی چهوری اسلامی ایران، تیران، ۱۳۷۵؛ ستوده، متوجه، از آستانرا تا آستاناباد، تیران، ۱۳۶۶؛ همو، «تقویانی که امیر کبیر در آن می‌زیست»، امیر کبیر و دارالفنون، به کوشش قدرت الله روشنی زغزانلو، تیران، ۱۳۵۴؛ همو، چهارپایه تاریخی مسیان، تیران، ۱۳۷۱؛ سلطان زاده، حسین، روند شکل گیری شهر و سرکز منتهی در ایران، تیران، ۱۳۶۲؛ شهروی، جعفر، طهران قدری، تیران، ۱۳۷۰؛ شهیدی، عنایت‌الله، پژوهشی در تعزیه و تعزیه‌خوانی، از آغاز تا پایان دوره قاجار در تیران، به کوشش علی بلرکیانی، تیران، ۱۳۸۰؛ عباسی، مهدی، تاریخ تکایا و عزاداری در قم، تیران، ۱۳۷۱؛ عدنانی، محمد، معجم الاغاث لغة المعاشرة، بیروت، ۱۹۸۹؛ علی‌داری، مهدی، فرهنگ عامیانه دماوند، تیران، ۱۳۷۹؛ عناصری، جابر، سلطان کربلا، تیران، ۱۳۸۱؛ عین‌السلطنه، روزنامه خاطرات، به کوشش مسعود سالار و ایرج افشار، تیران، ۱۳۷۴؛ فروغ، مهدی، «نایش»، ایران‌شیر، تیران، ۱۳۴۲؛ شه، ۱۹۶۲/۱۹۶۳، شه، ۲۲؛ فلاح‌زاده، مجید، تاریخ اجتماعی - سیاست تئاتر در ایران (تعزیه)، تیران، ۱۳۸۴؛ گلریز، محمدعلی، میشور بر پا باب‌الجنة قزوین، قزوین، ۱۳۶۸؛ لافت‌نامه دهدخان، مارکام، گلشت، تاریخ ایران در دوره قاجار، حسین، تیریت پاکان، قم، ۱۳۲۵؛ مستوفی، محمدتقی، عبدالله، شرح مدرسي طباطبائي، حسین، تیریت پاکان، قم، ۱۳۲۵؛ مظفري، محمدتقی، آثار تاریخی طهران، به زندگانی من، تیران، ۱۳۷۱؛ مظفري، صالح لمعي، التراکت المعاشری الاسلامي فی مصر، بیروت، ۱۹۸۴/۱۴۰۴؛ معتقدی، حسین، عزاداری سنتی شیعیان در بیوت علماء و حوزه‌های علمیه و کشورهای جهان، قم، ۱۳۷۹؛ السرورعه الفلاح طینه، القسم العام، بیروت، ۱۹۸۴؛ بیرونی، حیدرضا، «پراکندگی چهارپایی اماکن مذهبی کشور در قالب استانی»، مسجد، تهران، ۱۳۸۰، ش، ۱۰، س، ۵۸؛ نظام‌الاسلام کرمانی، محمد، تاریخ بی‌داری ایرانیان، به کوشش علی اکبر سعیدی سرچانی، تیران، ۱۳۴۹؛ تسبیح آماری، طرح تئاتر ساختمانه مساجد و اماکن مذهبی کشور، مرکز آمار ایران، تیران، ۱۳۷۵؛ نیشان، علی‌اکبر، فرهنگ، به کوشش سعید نیشان، تیران، ۱۳۴۲؛ وزیری، احمد علی، تاریخ کرمان، به کوشش محمد ابراهیم باستانی پاریزی، تیران، ۱۳۶۴؛ وقایع انشایی، تیران، شه، ۱۳۶۸؛ ولیس، جارلز جیس، تاریخ اجتماعی ایران در عهد قاجاریه، ترجمه شیدعبدالله، به کوشش جمشید دودانگه